نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۸۲

یک‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

در نشست رونمایی از کتاب «یک قرن تاریخ فوتبال بوشهر» مطرح شد؛

عنوان «توپ اول» در ایران، متعلق به بوشهر است



بلاتکلیفی بازنشستگان برای متناسب‌سازی حقوق

انتخاب هیات مدیره کانون وکلای دادگستری استان بوشهر



پیرو آگهی هیات نظارت بر هشتمین دوره انتخابات هیات مدیره کانون وکلای دادگستری استان بوشهر، انتخابات هشتمین دوره هیات مدیره کانون وکلای دادگستری استان بوشهر بصورت حضوری وبر خط برگزار شد. با اتمام مهلت رای گیری، نتایج آرا در سالن چوبک کانون وکلای دادگستری استان بوشهر توسط دکتر بهرام فرهمند صابر ریاست کانون وکلا و هیات نظارت به شرح ذیل اعلام شد: از مجموع ۶۶۱ آرای ماخوذه نامزدهای هیات مدیره به ترتیب به عنوان اعضای هیات مدیره دوره هشتم انتخاب شدند:

۱- مهدی بنه گزی با ۵۴۲ رای
۲- سیروس شهریاری با ۳۹۲ رای
۳- یلدا جهانفر با ۳۳۲ رای
۴- الهام بهیاری با ۳۲۸ رای
۵- بابک شایانی با ۳۲۵ رای
۶- غلامحسین پاپری با ۲۱۹ رای
۷- عبدالرضا (امید) جهان افروزیان با ۲۱۵ رای
۸- احمد رضا ونکی با ۴۹ رای

از هشت نفر منتخب مجمع عمومی پنج نفر اول به عنوان اعضای اصلی و نفرات ششم تا هشتم به عنوان اعضای علی البدل هیات مدیره کانون وکلای دادگستری استان بوشهر می باشند.
به گزارش روابط عمومی کانون وکلای دادگستری استان بوشهر، در این انتخابات بدون تمدید مهلت اخذ آرا، بالغ بر ۸۸ درصد اعضای مجمع عمومی کانون وکلای دادگستری استان بوشهر با توجه به برگزاری به صورت بر خط و حضوری شرکت کردند که در صحنه انتخابات یک رکورد ویژه و کمتر دست یافتنی است.

تخصیص صد درصد بودجه احداث بیمارستان عسلویه

مدیرعامل سازمان منطقه ویژه پارس گفت: ۱۰۰ درصد بودجه احداث بیمارستان ۱۱۰ تختخوابی عسلویه به‌عنوان یکی از مطالبات جدی و مهم مردم منطقه و استان بوشهر تخصیص یافته است.

وعده رایگان شدن سالن‌های ورزشی در بوشهر

یاسر جمالی، مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر گفت: با توجه به این‌که هزینه اجاره یک ساعت اماکن ورزشی برای برخی مردم بالاست، با اختصاص ساعت‌های مناسبی از هفته برای مردم جهت ورزش رایگان و استقرار مربی مورد نیاز در آن، به توسعه ورزش همگانی کمک می‌کنیم.

بیش از هزار کارگر شهرکردی در عسلویه مشغول کارند

مدیر فرودگاه شهرکرد گفت: بیش از یک هزار کارگر شهرکردی که شاغل در عسلویه هستند تا پیش از این برای عزیمت به مقصد مورد نظر با چالش بسیاری مواجه بودند اما از این پس در روزهای دوشنبه به راحتی توسط هواپیمایی آسمان عازم عسلویه می‌شوند.

دیوارکشی‌های شبانه در بوشهر!

دیوارکشی‌های شبانه در بوشهر بدون دخالت یا ممانعت نهادهای دولتی ادامه دارد.
تقریبا تمام بزرگراه شهید بیژن گرد روبروی وادی‌الرحمه (از سمت سرتل) که در اختیار نهادهای دولتی و نظامی نبود و هیچ دیواری نداشت، در یک ماه اخیر تا لب جاده دیوارکشی شده است.
در جایی که مشهور به پیچ نیروگاه اتمی است هم ده‌ها ویلاباغ شبانه احداث شده گویی اصلا هیچ مدیری در مرکز استان نبود تا بپرسد این همه زمین چرا یک مرتبه صاحب‌دار شد؟
چرا همه این کارها شبها به انجام می‌رسد؟ چرا یک بار هم مدیران استان به این منطقه نمی‌روند و نمی‌بینند افراد گمنام و با نام دارند چه می‌کنند و دارد بر سر میراث بوشهر می‌آید؟/لید نیوز

کمک ۷ میلیارد تومانی به ۵ سازمان مردم نهاد در بوشهر!

یاسر جمالی مدیرکل اداره ورزش و جوانان استان بوشهر گفت در سال قبل به ۵ سازمان مردم‌نهاد ۷ میلیاردتومان کمک شده است (به‌طور متوسط هر سمن ۱میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان). با توجه به عدم فعالیت قابل توجه سازمان‌های مردم نهاد اداره ورزش و جوانان، ضروری است تا مدیر کل این اداره، نام این ۵ سازمان غیر دولتی و نحوه هزینه کرد این مبالغ هنگفت را منتشر نماید.

بدهی ۹۱۲ میلیارد تومانی بانک‌ها به زوج‌های بوشهری

بانک‌های استان ۹۱۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بدهکار زوج‌های جوان بوشهری هستند. ۱۵۲۱ تازه عروس و داماد بوشهری از شهریور سال قبل در صف وام ازدواج مانده‌اند.
وام ازدواج برای هر یک از زوجین بالای ۲۵ سال ۳۰۰ میلیون تومان و برای زیر ۲۵ سال ۳۵۰ میلیون تومان است.

مسئولان استان بوشهر از نخبه علمی مدال‌آور، حمایت نکردند

بهزادی از اعزام به المپیاد بین‌المللی جاماند. پدر این نوجوان نخبه در یکی از گروه‌های استانی در واتساپ نوشت: پسر من رتبه کشوری در اختراعات را از آن استان بوشهر کرد و سهمیه المپیاد را آورد ولی برای اعزام - با این که من از تمام سازمان‌های مربوطه پیگیری کردم- موفق به جلب حمایت هیچ سازمان یا ارگانی از ایشان نشدم. اینک فرزندم سرشکسته شده و این رشته را کنار گذاشته و دل‌زده شده است.

احداث چهار سد جدید دراستان بوشهر

استاندار بوشهر از احداث چهار سد جدید در این استان خبر داد که می تواند مشکلات تامین آب برای بهره برداران بخش کشاورزی را رفع کند.احمد محمدی زاده اظهار کرد: پیگیری آغاز عملیات اجرایی چهار سد جدید به طور جدی در دستور کار طرح های سدسازی استان بوشهر قرار دارد. سد دره عنبری، سد چهارروستایی، سد دره گپ و سد دره رجدون از جمله این طرح هایی هستند که در مراحل مختلف مطالعات قرار دارند و در تلاش هستیم تا حداقل ۲ طرح از این طرح ها تا پیش از پایان دولت آغاز به کار کنند.

فاجعه محیط زیستی ماهیان مرده در ساحل گناوه

کلیپی در شبکه های اجتماعی با موضوع تلف شدن تعداد زیادی ماهی در ساحل گناوه منتشر شده است.
رییس اداره حفاظت محیط زیست گناوه گفت: محل تلف شدن ماهی‌ها در ساحل مال قائد با همراهی رییس دادگستری و دادستان گناوه به عنوان مدعی‌العموم و رییس دامپزشکی شهرستان بازدید شد.
کامبیز عبدالهی در گفت و گو با خبرنگار مهر گفت: در پی تلف شدن تعداد زیادی ماهی در ساحل مال قائد شهرستان گناوه، پیگیری برای مشخص شدن علل آن در دست بررسی است.
رییس اداره حفاظت محیط زیست گناوه در این خصوص گفت: این اتفاق مربوط به روستای مال قائد گناوه بوده که علت آن در دست بررسی است.
کامبیز عبدالهی اظهار داشت: ماهی‌های تلف شده همه از یک نوع هستند و تنها در یک منطقه از ساحل گناوه مشاهده شد و احتمال اینکه ناشی از دور ریز صید باشند که با جز و مد دریا به ساحل آمده‌اند وجود دارد اما برای تعیین علت اصلی باید منتظر نتیجه آزمایش‌های کارشناسی بود.
وی بیان کرد: برای مشخص شدن علت دقیق تلف شدن این ماهی‌ها نمونه گیری از آب و ماهی‌های تلف شده توسط کارشناسان اداره انجام شده که پس از مشخص شدن علت دقیق این موضوع اطلاع رسانی کامل انجام خواهد شد.
عبدالهی گفت: پس از مشخص شدن علت دقیق این موضوع اطلاع رسانی کامل انجام خواهد شد.
امینی، رئیس شیلات بندر گناوه نیز بیان داشت: از عواملی که ممکن است دلایل این موضوع باشد، می‌توان به آلودگی آب، شکوفایی جلبکی اشاره کرد.

امام جمعه دیلم:

نفتی‌ها برای حراست، آشپزخانه و خدمات هم از شهرهای دیگر نیرو می‌آورند

امام جمعه دیلم خواستار به‌کارگیری نیروهای بومی شهرستان در شرکت‌های منطقه شد و گفت: مادامی که نیروی مورد نیازتان در بین همین مردم است حق ندارید نیروی غیر بومی جذب کنید.
به گزارش مهر، حجت الاسلام محمود اسدی در خطبه‌های نماز جمعه دیلم به روند بکارگیری نیرو در ایستگاه شماره یک انتقال نفت گوره به جاسک واکنش نشان داد و گفت: شرکتی در محدوده‌ی دیلم به نام نیرو گستر که وظیفه‌ی ساخت ایستگاه گوره در خط انتقال نفت گوره به جاسک را بر عهده داشت، بسیاری از نیروهای مورد نیاز خود را از غیر بومی‌ها جذب کرده بود بارها رفته و صحبت کردیم، با مسئولان کشوری حرف زدیم، از همین تریبون تذکر دادیم و کارهایی هم شد ولی آنچه در این حوزه مطلوب این مردم نجیب بود اتفاق نیافتد.
امام جمعه دیلم افزود: توقع مردم ما این است که در کنار مجموعه‌های برخوردار نفتی فرزندان آنها مشغول به کار شوند و این توقع به جایی ست.
امام جمعه‌ی دیلم گفت: الان شرکت آیکو آمده است و از همین تریبون از زبان مردم تذکر می‌دهیم آمده‌اید در این منطقه کار کنید باید نیروهای مورد نیازتان را بومی بگیرید، از همین مردم، از جوانان بیکار همین شهرستان استفاده کنید، اگر نیرویی بود که در این منطقه پیدا نشد آن‌وقت از جای دیگر بیاورید اما مادامی که نیروی مورد نیازتان در بین همین مردم است حق ندارید نیروی غیر بومی جذب کنید.
وی بیان کرد: شما نیروهای حراست، آشپزخانه، خدماتی هم دارید از شهرهای دیگر می‌آورید که این خبرها می‌رسد، این مردم ناراحتند، به شما تذکر می‌دهیم و به مسئولان شهرستان هم عرض می‌کنم فرماندار و معاونان، اداره کار، رئیس دادگستری، دادستان، نگذاریم این اتفاق بیافتد و باید از جوانان این شهرستان استفاده شود.به مسئولان استانی هم گفتیم شما هم وظیفه دارید، پشتیبانی و حمایت کنید، جوانان این شهرستان بیکار هستند و به طور مدام مراجعه می‌کنند، باید به فکر اینها باشید. حق مردم را این بار محترمانه مطالبه می‌کنیم اما در آینده با شدت و محکم‌تر این موضوع را پیگیری می کنیم.

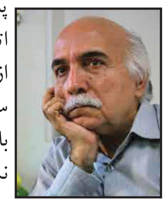
معاون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر خبر داد؛

ورود پشه آئدس به استان بوشهر
مقابله نیازمند مشارکت همگانی است

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهربا اشاره به پیدا شدن پشه آئدس در استان بوشهر گفت: برای مقابله با این پشه نیازمند مشارکت مردمی هستیم.
به گزارش خبرنگار مهر، قاسم برجویی فرد در جمع خبرنگاران اظهار داشت: پشه آئدس که ناقل بیماری‌هایی از جمله تب دانگ و زیکا است، در برخی از کشورهای همسایه از جمله قطر، عمان و پاکستان شیوع بالایی داشته و در استان همجوار ما یعنی استان هرمزگان نیز دیده شده است.
معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر افزود: ۲ هفته از پیدا شدن این پشه در استان بوشهر می‌گذرد، که با مراقبت‌های مداوم و تلاش‌های بسیار توانستیم ورود پشه آئدس به استان را به‌موقع شناسایی و وارد مرحله مقابله شویم.
وی با بیان این که تا کنون هیچ موردی از تب دانگ در استان مشاهده نشده، است، اضافه کرد: پشه آئدس در ساعت‌های فعالیت انسان خون‌خواری می کند، بنابراین استفاده از پشه‌بند کمکی در پیشگیری از گزش این پشه نمی کند.
معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: با توجه به این‌که پشه آئدس از چندین نفر در طول روز تغذیه و خون‌خواری می کند و از سوی دیگر از قدرت پروازی و تکثیر بالایی برخوردار است، مبارزه با آن سخت و نیازمند صرف هزینه‌های بالاست.
برجویی‌فرد با تاکید بر همکاری برخی از دستگاه‌ها از جمله شهرداری‌ها برای مقابله با آئدس، عنوان کرد: مناطق مرطوب، لاستیک‌های فرسوده و آب‌های راکد از جمله عمده‌ترین مناطق رشد پشه آئدس و بهسازی محیط مهمترین عامل در جهت کنترل این پشه است.
وی گفت: اگرچه مراقبان بهداشتی با سم‌پاشی مناطق زیست پشه اقدامات اولیه را برای مبارزه با این پشه انجام داده‌اند ولی در کنار آن شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هم باید با همکاری شبکه‌های بهداشت و درمان، تمهیدات لازم را در جهت جمع‌آوری قایق‌ها، لاستیک‌های فرسوده، جمع‌آوری سریع و روزانه زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی و نیز آب‌های راکد فراهم کنند.
معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با تاکید بر این‌که برای مقابله با این پشه نیازمند مشارکت مردمی هستیم، افزود: مردم باید با خودداری از رها کردن زباله‌های خود در سطح محیطی و نیز با از بین بردن آب‌های راکد داخل منزل نظیر آب پشت کولر، آب زیر گلدان‌ها و هرگونه فضای کوچک و بزرگی که احتمال تجمع آب راکد در آن وجود دارد، در مقابله با این پشه به ما کمک کنند.

بلاتکلیفی بازنشستگان برای متناسب‌سازی حقوق

حسین حشمتی



پسرم روزنامه به دست وارد اتاقم شد و صفحه اول یکی از روزنامه‌های معروف و سراسری را که مصاحبه بازنشسته پسند یکی از نمایندگان مجلس را نشانم داد و گفت: بابا، نان بازنشسته‌ها توی روغن افتاد. پرسیدم چی شده؟ جواب داد خودتان بخوانید، سورپرایز است.

نگاهی به نیم تای صفحه اول روزنامه انداختم، خبر مربوط می شد به مصاحبه نماینده مورد بحث با خبرنگاران که البته اگر برای بازنشستگان نان نداشت اما برای او «رای» داشت چرا که حدود ۱۰ میلیون نفر بازنشستگان تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری و خانواده هایشان رای بالائی است.



روزنامه صبح ایران حرف‌های مهم نماینده مجلس را مبنی بر این که، «همسان سازی حقوق بازنشستگان با ترکیب آپشن مالی جدید اعلام شد» تیتریک زده و قند توی دل بازنشستگان آب ساخته و با سوتیتر «بازنشستگان در اردیبهشت ماه هم افزایش حقوق دارند، هم تسویه معوقات!» آب از لک و لوچه آنان جاری ساخته بود.

نماینده مورد بحث در مصاحبه مطبوعاتی گفته بازنشستگان امسال هم حقوقشان ۲۰ درصد اضافه شده، هم ۴۰ درصد از ۹۰ درصد افزایش سه سال آینده را در همین اردیبهشت ماه دریافت خواهند کرد اما از قضا سرکه انگبین صفر افزود، زیرا معاون فنی و امور بیمه ای صندوق بازنشستگی کشوری چنین توضیح داده است که: لازمه اجرای متناسب‌سازی، به خصوص ماده ۲۹ برنامه، تهیه آئین‌نامه و تعیین‌ساز و کار اجرایی آن توسط سازمان های امور اداری و استخدامی و برنامه و بودجه و ابلاغ آن به صندوق بازنشستگی کشوری است که تهیه و تدوین پیش‌نویس آیین‌نامه مربوطه در مرحله ویرایش نهایی است که پس از ابلاغ آیین نامه و دستورالعمل اجرایی به صندوق، متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان از تاریخ اجرای مقرر در قانون مورد اشاره در بالا، اعمال و احکام مربوطه نیز صادر خواهد شد.

در نهایت این که رئیس مجلس در پاسخ به تذکر آصفری نماینده اراک مبنی برعلت اجرایی نشدن متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان تصریح کرد: در پایان سال گذشته احکام و تبصره های بودجه ۱۴۰۳ به دولت ابلاغ شد و دولت مجوزی برای تامین اعتبار از محل یک درصد ارزش افزوده دریافت کرد لذا هیچ مشکلی برای انجام این افزایش وجود ندارد. این جاست که بازنشستگان نمی‌دانند اظهارات مقام مسئول در صندوق بازنشستگی کشوری مبنی برعدم تامین اعتبار و عدم ابلاغ دستورالعمل برای متناسب سازی حقوق‌ها را باور کنند یا اطمینان‌دهی رئیس مجلس مبنی بر برداخت متناسب‌سازی حقوق‌ها؟

زیباکلام، آخرش به زندان رفت!

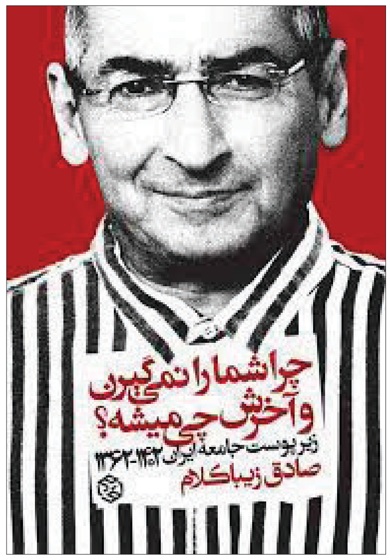
دکتر سعید معدنی



صادق زیباکلام یکی از شناخته‌ترین چهره‌های دانشگاهی در نزد خواص، عوام و رسانه‌هاست. آدمی فوق العاده پرجنب و جوش، باانگیزه و بی‌ریاست. آن‌هایی که او را از نزدیک می‌شناسند این صفات را تایید می‌کنند. او سال‌ها به دانشگاه آزاد تهران مرکز می‌آمد و با دانشگاه ما همکاری داشت. یا من سال‌ها به عنوان استاد مدعو به واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد می‌رفتم و با هم تدریس داشتیم و در اطاق استادان به طور معمول گپ و گفت‌های زیادی شکل می‌گرفت. نمی‌دانم چرا وقتی با زیباکلام هم‌کلام می‌شدم یاد این جمله داریوش آشوری درباره آل احمد می‌افتادم که «آل احمد همان‌طور که می‌نوشت زندگی می‌کرد و همان‌طور که زندگی می‌کرد می‌نوشت» شناخت اندک من از همکلامی‌های کوتاه و متوالی با ایشان چنین است که آشوری می‌گوید.

صادق زیباکلام دوبار راهی زندان شده است. یکبار سال ۱۳۵۳ در ۲۵ سالگی در زمان محمدرضا شاه پهلوی به جرم همکاری با گروه‌های مسلح برانداز که نزدیک به سه سال حبس کشید، و این‌بار در سال ۱۴۰۳ بعد از ۵۰ سال در ۷۵ سالگی در نظام جمهوری اسلامی و احتمالا به جرایم مشهور و معمول مثل تشویش اذهان عمومی و... بازداشت شده است. زیرا در بعد از انقلاب او عضو هیچ گروه یا جریانی – چه برانداز و چه اصلاح‌طلب – نیست. مثل بسیاری از فعالان اجتماعی- سیاسی یک شخصیت منفرد اکتیو و فعال در عرصه‌ی اجتماع است و فقط سخن می گوید.

زیباکلام را نمی‌توان مثل دوره شاه برانداز نامید. نه عضو گروه‌های متخاصم است و نه سن و سال و راه و رسم‌اش به این اتهامات می‌چسبد. او جنجال‌های خودش را دارد. روی پرچم آمریکا و اسرائیل پا نمی‌گذارد، با حسین الله‌کرم عکس دونفره‌ی نماز خواندن دارند، قبلا به وفور با شبکه‌های ماهواره‌ای ایرانیان خارج از کشور صحبت می‌کرد که اخیرا کم شده بود. در شبکه‌های اجتماعی فوق‌العاده فعال است واز هر روزنه‌ی ممکن برای سخن گفتن استفاده می‌کند، اما در همه حال سخنی از حمایت از براندازی ندارد. او اندیشه‌های حزب تک‌نفره‌ی خود را دارد. همه ایرانیانی که سخنان او را از صدا و سیمای جمهوری اسلامی تا سخنرانی هایش، تا گفتگو با شبکه‌های ماهواره‌ای‌اش را شنیده‌اند و نوشته‌هایش را خوانده‌اند، از خود و دیگران مدام سوال می‌کردند و سوال می‌کنند «چرا زیباکلام را نمی‌گیرند». بسیاری او را سوپاپ و خودی نظام می‌دانستند. به خصوص چند ماه پیش درباره غزه به اتفاق ماشاالله شمس‌الواعظین در شبکه چهار صدا و سیما به گفتگو نشستند. جالب آن‌که او شب قبل از



دستگیری و روانه زندان شدن در کانال تلگرامی‌اش گفته بود که فردا رونمایی از کتاب‌اش با عنوان «چرا شما رو نمی‌گیرن و آخرش چی میشه؟»! است، که قبل از رونمایی از آخرین نوشته‌اش دستگیر و روانه زندان شده است. نمی دانم شاید در حالی که این سطور را می نویسم این پیرمرد ۷۵ ساله و استاد بازنشسته و مشهور و پرتلاش دانشگاه تهران و نویسنده کتاب پرمخاطب و پرمراجعه «ما چگونه ما شدیم» آزاد شده باشد و یا شاید هم دست‌اندرکاران سماجت کنند و او را تا آخر دوره زندان نگهدارند. ولی امیدوارم اتفاق نخست بیفتد.

حکایت تلخ دوا و درمان

خاتون جمالی



خرداد پارسال به او گفتند سرطان دارد و باید هر چه زودتر درمان خود را شروع کند، اما چون مایل به زنده بودن در این دنیای پرآشوب نبود، از پزشکانش اجازه خواست تا اصرار به درمانش نکنند، اما پزشکان گفتند: اگر خود را معالجه نکند، باید منتظر مرگی دردناک باشد. در نتیجه مجبور به درمان شد.

نه ماه درد و زجر شیمی درمانی، سوزن، سرم، تزریق، قرنطینه شدن و... را تحمل کرد. هزینه‌های درمان را هم به جان خرید. مرحله ی دوم درمان، عمل بود،که آن نیز به سختی گذشت...

مرحله بعدی پرتو درمانی بود، کفگیر به ته دیگ خورده بود، بیمه بازنشستگی معلمان هم هیچ کدام از هزینه‌هایش را بعد از نه ماه هنوز پرداخت نکرده بود.

گویا در شیراز فقط دو مرکز برای پرتودرمانی وجود داشت، یکی از مراکز که هزینه‌ها آزاد بود و باید نزدیک به سیصد میلیون بابت پرتو درمانی پول می داد و یکی دیگر که دولتی بود.

در نتیجه یک هفته بعد از عمل با بدنی چاک چاک بیمارستان دولتی را درنوردید و نوبت پرتو درمانی را برای دو ماه بعد گرفت، هر چند که دکترش این مدت را برایش مناسب نمی دانست و دیر بود.

اما اجبارا خود را به سرنوشت سپرد، دیروز بعد از دو ماه، طبق نوبت خود برای پرتو درمانی به بیمارستان مراجعه کرد، و در کمال تعجب به او گفتند: دستگاه پرتو درمانی خراب شده است و مشخص نیست که کی درست شود ... .

پریشان و مستاصل دوباره به پزشکش مراجعه کرد تا شاید راه حلی پیش پایش بگذارد و پزشکش تنها حرفی که به او زد این بود: باید هرچه زودتر درمان را شروع کنی وگرنه بیماریت عود می کند و تمام زحماتت بی نتیجه خواهد بود... آری! این حکم او بود، باید محکوم به مرگ شود، چون در سرزمینی زندگی می کند که هیچ کس جوابگو نیست.

زندگی آگاهانه

همه چیز را یادداشت کنید



حسین زیبراهی- مدرس مهارت‌های توسعه فردی

روز دوشنبه هفته پیش یکباره یادم آمد مقاله ستون زندگی آگاهانه که یکشنبه هر هفته برای تحریریه نسیم‌جنوب ارسال می‌کردم را فراموش کرده‌ام بنویسم و بفرستم. با این‌که در دو سال گذشته معمولا در ساعت آخر و بقول معروف دقیقه نودی مقاله را ارسال می‌کردم ولی هیچوقت آن‌را فراموش نکرده بودم. چون روی گوشی تلفنم و در اپلیکیشن Microsoft To Do یادداشت کرده بودم و در طول هفته با دیدن آن یادم می‌افتاد مقاله را بنویسم. ولی در کمال تعجب وقتی برنامه را نگاه کردم دیدم یادداشت آن از فهرست کارها (احتمالا به صورت اتفاقی) پاک شده است.

دیوید آلن مبدع روش GTD در برنامه‌ریزی کارها و مدیریت زمان جمله‌ای با این مضمون دارد که مغز ما جای خلق ایده‌ها است، نه نگهداری آن‌ها. سپردن اطلاعات به حافظه فقط زمانی توجیه منطقی دارد که ما به صورت فوری به آن‌ها نیاز پیدا کنیم. یعنی از ما انتظار برود که آن‌چه می‌خواهیم بگوییم را در ذهن داشته باشیم. در غیر این صورت برای این‌که بتوانیم از مغز خود بهتر استفاده کنیم باید اطلاعات را در محیط بیرون یادداشت نماییم. چون انباشت مطالب در مغز باعث فراموشکاری و سردرگمی می‌شود. این موضوع بخصوص در مورد فهرست کارها به شدت توصیه می‌شود.

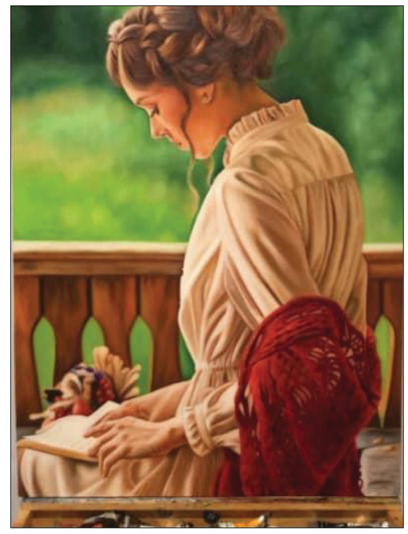
یادداشت کردن کارها چندین فایده دارد. نخست این‌که با یادداشت کردن کارها مغز ما آزاد می‌شود. هر کار انجام نشده‌ای مانند یک زنگ در مغز ما در حال صدا کردن است و مرتب آن‌را به ما یادآوری می‌کند که علاوه بر درگیر کردن مغز حال‌مان را هم بد می‌کند. فایده دوم این است که دیگر آن‌را فراموش نمی‌کنیم. با این‌که مغز مرتب آن‌را به ما یادآوری می‌کند بسیار احتمال دارد زمانی که وقت انجام آن باشد این کار را نکند و ما فراموش کنیم. فایده سوم این است که برای کارهایی که در زمان خاصی باید انجام شود مانند قرار ملاقات، خوردن دارو و کارهای زمان دار می‌توانیم زنگ یادآوری بگذاریم. البته برای کارهایی که می‌توان عقب انداخت بهتر است از زنگ استفاده نشود.

چطور کارهایمان را یادداشت کنیم؟ ابتدا لازم است یک برنامه فهرست کارها در گوشی همراه خود داشته باشیم. پیشنهاد من برنامه To Do است ولی برنامه‌های مشابه هم خوب است. دسته‌بندی لیست‌ها امری شخصی است و در طول زمان هم تغییر می‌کند ولی بهتر است تعداد دسته‌ها کم باشد. مثلا من الان یک فهرست کلی دارم و ابتدا هر چیزی را در آن وارد می‌کنم که بعدا دسته بندی کنم. اگر در طول چند روز آینده آن کار انجام گیرد که آن‌را پاک می‌کنم. در غیر این صورت آن‌را به فهرست آینده نزدیک منتقل می‌کنم. این فهرست کارهایی است که فوریتی ندارد و معمولا زمان انجام آن بیشتر از یک هفته است. فهرست سوم روتین روزانه است. یعنی کارهایی که هر روز باید انجام دهم. مثل مطالعه کتاب، ورزش، مدیتیشن، دیدن آموزش‌هایی که خریده‌ام و البته اولین کار روزانه‌ام چک کردن خود برنامه To Do و بررسی فهرست کارها است. شاید باور نکنید ولی چغر و بدبدن‌ترین آیتم همین است. الان سه سال است که تمرین می‌کنم هر روز صبح اولین کار، فهرست کارهایم را نگاه کنم ولی هنوز به عادت تبدیل نشده است.

فرزانه سالمی هنرمند و مدرس نقاشی در بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

نقاشی باعث ایجاد حس آرامش و انگیزه بیشتر در زندگی و کار می‌شود

– خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– فرزانه سالمی متولد ۱۳۷۵.
– چه شد که به نقاشی علاقمند شدید؟
– از کودکی به کارهای هنری به خصوص نقاشی علاقه زیادی داشتم و در مدرسه وقتی نقاشی می کشیدم مورد توجه دوستان و دانش آموزان و معلمان قرار می گرفت و همین موجب شد که تصمیم گرفتم نقاشی را به صورت حرفه ای دنبال کنم.
– سوژه‌های نقاشی خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟
– براساس سلیقه شخصی خودم.
– در نقاشی به دنبال چه رویا و آرزویی هستید؟
– پیشرفت در هنر و قوی‌تر شدن کیفیت آثارم، رفتن راه و مسیر اساتید و هنرمندان بزرگ، تعلیم



و پرورش هنرجویان به شیوه اساتید بزرگ.
– نقاشی چه چیزهایی را برای شما به ارمغان آورده است؟
– نقاشی کشیدن باعث ایجاد حس آرامش و انگیزه بیشتر من در زندگی و کارم می شود.
– در روند آفرینش یک اثر هنری از ابتدا تا انتها چه مراحلی را می‌گذرانید؟
– اولین مرحله درشکل گیری یک اثر هنری مرحله دریافت است در این مرحله هنرمند نخستین اندیشه و نمادی راکه دراشکال مادی ظاهر می شود را دریافت می‌کند. دومین مرحله تحلیل است که در ذهن هنرمند از راه شهود و الهام درشکل عینی این اندیشه و نماد تغییراتی داده و صورت های خیالی به آن می افزاید. سومین مرحله آفرینش است که هنرمند برای بیان مفاهیم صورت‌های ذهنی خود به انتخاب ابزارکار و شیوه مناسب می پردازد و در این راه از تمامی توانایی‌های تکنیکی و



آگاهی‌های هنری خود بهره می گیرد.
– در نزد چه اساتیدی، آموزش دیدید؟
– نقاشی را باتمرین و به صورت تجربی فراگرفته ام و دوره‌های کوتاه مجازی شرکت کردم.
– شما خودتان چه مدت است که به آموزش نقاشی مشغول هستید و این آموزش را در کجا انجام می‌دهید؟
– به مدت ۶ سال در هنرکده آفرینش مشغول به تدریس هستم.
– استقبال از آن در بوشهر و خصوصا بین دختران و بانوان چگونه است؟
– درسال‌های اخیر استقبال از هنر نقاشی رو به افزایش بوده است.
– برخی از والدین نگران هستند که پرداختن فرزندان آن‌ها به هنر و یا نقاشی، ممکن است به دروس مدرسه آن‌ها لطمه بزنند، نظر و تجربه شما چیست؟
– نقاشی باعث ایجاد انگیزه و اعتماد به نفس درکودکان و نوجوانان شده و همین باعث می شود درزمینه تحصیل نیز موفق تر باشند.
– علاقمندان به نقاشی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند تا موفق شوند؟
– صبر، دقت، عشق وعلاقه و انگیزه تمرین وتلاش.





در نشست رونمایی از کتاب «یک قرن تاریخ فوتبال بوشهر» مطرح شد؛

عنوان «توپ اول» در ایران متعلق به بوشهر است

الهه غریب‌زاده گفت: با توجه به پژوهش‌های انجام شده تا این ساعت، استان بوشهر از اولین‌های پیدایش فوتبال در کشور است.
استان بوشهر از اولین‌های پیدایش فوتبال در کشور است
به گزارش ستاد خبری سی‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، نشست معرفی و بررسی «یک قرن تاریخ فوتبال بوشهر» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سالن گوشه نقد برگزار شد.
در این نشست که با حضور الهه غریب زاده، نویسنده کتاب؛ نرگس زارعی، ورزشکار و پژوهشگر و همچنین افسر افشار نادری، جامعه شناس برگزار شد و ابعاد مختلف این مجموعه کتاب ۷ جلدی مورد بررسی قرار گرفت.
الهه غریب زاده درباره تالیف این دایره المعارف گفت: من در خانواده فوتبالی به دنیا آمدم و با افراد مختلف تیم ملی مراوده خانوادگی داشتم و همین باعث شد تا بتوانم اسناد معتبری را جمع آوری کنم. نوشتن این مجموعه ۷ سال طول کشید و توانستم در ۵ هزار صفحه بانک شفاهی تاریخ فوتبال بوشهر را جمع‌آوری کنم.
او افزود: در این کتاب اسناد معتبر و دست اولی را از بازیگران تا مربیان و باشگاه‌داران ارائه دادیم. همچنین در این کتاب اسنادی را منتشر کردیم که نشان می دهد عنوان «توپ اول» در ایران متعلق به بوشهر است. سند توپ اول، عکس مشهور مسجد سلیمان است. درحالی که ما در بوشهر سندی داریم که نشان می دهد احداث زمین ورزشی در این شهر متعلق به سال ۱۷۷۰ میلادی است.
این نویسنده درباره موضوعات این دایره المعارف ۷جلدی گفت: ۳ جلد اول مجموعه اسناد ملی ارائه شده است. جلد اول مربوط به اسناد توپ اول و باشگاه□های اول بوشهر است. جلد دوم آن به صورت اجمالی درباره باشگاه‌های شاهین و ایران جوان است و جلد سوم بانک شفاهی و بانک اطلاع رسانی ملی‌پوشان و باشگاه‌های محلی است.



غریب‌زاده ادامه داد: در جلد چهارم، چهره‌های ماندگار فوتبال بوشهر معرفی شده‌اند و جلد پنجم جدال فقر و فخر است که زندگی‌نامه جلال غریب زاده فوتبالیست شناخته شده بوشهری است. در جلد ششم و هفتم نیز اسناد باشگاه شاهین و ایران جوان را به تفصیل ارائه کرده‌ایم.
الهه غریب‌زاده همچنین با اشاره به اینکه روایت تاریخ فوتبال از زبان بانوان و بررسی تاریخ فوتبال بوشهر به لحاظ ورود بانوان به مسئله فوتبال در ابتدای امر می‌تواند عجیب باشد، اشاره کرد: بانوان بوشهری در حوزه فرهنگ و تاریخ بوشهر فعالیت‌های چشمگیری داشتند و یکی از علت‌های ورود من به تاریخ فوتبال بوشهر می‌تواند علاقه خانوادگی من به فوتبال و ورود و تاثیر افراد مشهور این ورزش در زندگیم باشد.
وی افزود: در سال ۱۳۹۶ تحقیق و نوشتن این مجموعه ۵ هزار صفحه‌ای آغاز شد و به مدت هفت سال یک بانک تاریخ شفاهی از فوتبالیست‌های بوشهری، خانواده این افراد، باشگاه‌داران جمع‌آوری شد تا به یک نتیجه کامل و موثر برسیم.
این پژوهشگر بوشهری و نویسنده کتاب تاریخ فوتبال بوشهر هدف از نوشتن این کتاب را ارائه اسناد معتبر در حوزه فوتبال استان بوشهر عنوان کرد و ادامه داد: آخرین پژوهش در حوزه فوتبال توسط جواد خیابانی در وزارت ورزش انجام شد و بر اساس اسناد موجود عمده استان‌های کشور مدعی هستند که ورود اولین توپ فوتبال در کشور، در استان آن‌ها رخ داده است.
وی ادامه داد: با توجه به اسناد موجود و خوانش یکایک اسناد و انجام یک مقایسه تطبیقی به اسنادی از تهران در سال ۱۲۸۶ شمسی، از تبریز در سال ۱۲۶۰ شمسی، اسناد مرتبط با چاه‌های نفتی در خوزستان و آبادان در سال ۱۲۸۷ شمسی در زمینه ورود فوتبال به کشور برمی‌خوریم.
غریب‌زاده با اشاره به سایر اسناد از شهرهای بندر انزلی، اصفهان، ارومیه و سلماس بیان کرد: بررسی اسناد و مدارک مکتوب استان بوشهر نیز حرفی برای گفتن دارند، چرا که از سال ۱۷۶۳ تا ۱۹۴۶ میلادی حضور کنسولگری انگلستان و کشورهای غربی را در این استان شاهد بودیم.
وی افزود: اگر بخواهیم از این دید به این ماجرا نگاه کنیم که پیدایش فوتبال در بوشهر به حضور کنسولگری و انگلیسی‌ها در این شهر مرتبط است، می‌توان به صورت قطع تایید کرد که در این تاریخ کنسولگری انگلستان در بوشهر بود و بنابراین فوتبال نیز از این تاریخ در بوشهر شناخته شده بود.
نویسنده کتاب تاریخ فوتبال بوشهر ادامه داد: اسنادی از فعالیت تاسیسات مدرن در بوشهر در سال ۱۸۵۰ میلادی نیز وجود دارد و سند قابل توجه احداث زمین ورزش در سال ۱۷۷۰ میلادی در این شهر نیز در این کتاب به ثبت رسیده است.
وی با اشاره به عکس تاریخی مسجد سلیمان و فعالیت شرکت‌های انگلیسی بر دکل‌های نفتی این شهر در سال ۱۹۰۸ عنوان کرد: با احترام به تمام استان‌های مدعی کشور می‌توان اعلام کرد که با توجه به پژوهش‌های انجام شده تا این ساعت، استان بوشهر از اولین‌های پیدایش فوتبال در کشور است.
نرجس زارعی یکی از ورزشکاران بوشهری نیز در این نشست با بیان اینکه استان بوشهر پرورش‌دهنده ملی‌پوشان زیادی در زمینه‌های ورزشی مختلف است، گفت: در ورزش بانوان با توجه به موقعیت جغرافیایی استان بوشهر و شرایط ویژه بانوان، ورزش قایقرانی بیشترین پتانسیل و طرفدار را در این قشر دارد که مدال ملی و شرایط شرکت در مجامع بین‌المللی را دارد.
وی افزود: ورزش در استان بوشهر با بی‌مهری‌های زیادی مواجه است و به واسطه مرز مشترک آبی پتانسیل‌های خوبی در رشته‌های ورزشی آبی در این استان وجود دارد که باید دیده شود.
این مدال‌آور قایقرانی کایاک و عضو تیم ملی قایقرانی ادامه داد: رشته قایقرانی یکی از رشته‌هایی است که بانوان بوشهری می‌توانند در آن بدرخشند و باید به ظرفیت‌های این استان توجه داشت.

عبدالله مقاتلی و حسین ابن رومیان از فستیوال کوچه می‌گویند

روایت‌هایی خواندنی از شکل‌گیری فستیوال موسیقی در کوچه پس کوچه‌های بافت تاریخی بوشهر

مهسا متقی: در فضایی صمیمانه پای صحبت های شیوا و شنیدنی هنرمندان برجسته بوشهری عبدالله مقاتلی و حسین ابن رومیان نشستیم، که این هم صحبتی، ارمغان‌آور روایت‌هایی خواندنی از آغاز فستیوال کوچه پس کوچه های بوشهر شده است.

– آقای مقاتلی در ابتدا یک فلش بک بزنیم به سال ۹۶، داستان کوچه برات از کجا شروع شد و اولین مواجهات با اسم فستیوال کوچه یا کوچه فستیوال کجا بود؟

– ما در سال ۹۶ یک کنسرت داشتیم در بوشهر که فستیوال کوچه هم‌زمان با کنسرت دیگه ما بود، ناراحت شدم و گفتم چند تا دانشجو آمده‌اند کار من را خراب کنند. با این حال ما اجرا کردیم. از ارشاد که مجوز داده بودند ناراحت شدم که هم‌زمان یک کنسرت با کنسرت دیگر یعنی خراب شدن اجرا اصلا این درست نیست داستان چیه؟ و همش با خودم صحبت می کردم که اصلا مجوزش چرا دادند و متوجه نبودم که کنسرت با فستیوال فرق می‌کرد. رفتم ارشاد و شروع کردم گلایه کردن که همزمانی دو اجرا یعنی چه، کارمند ارشاد گفت: شما موسیقی محلی و در سالن هستید اصلا داستان فرق می کند. اجرای کنسرت ما انجام شد ولی ناراحت بودم، روز بعد از اجرا، ادریس عبدی‌پور بهم زنگ زد و گفت که ما برنامه داریم با اسم فستیوال کوچه و می‌خواهیم در ادامه شما هم باشی و روند فستیوال کوچه مردمی است. صحبت مردمی شدن فستیوال که شد به این رویداد علاقمند شدم و پی بردم که رسالت کوچه کلا فرق دارد، دیگه از آن موقع تا حالا در کنار عوامل برگزاری رویداد هستم.

– از استارت فستیوال بگویید و اینکه چگونه با این رویداد مواجه شدید؟

– سال ۹۶ که کافه استارت خورد دیگه از دو ماه قبلش در جریان بودم، از قبل تو برنامه‌ریزی‌ها بودم و می‌دانستم چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد و چه روندی دارد، تقریبا ما از اولش پای کار بودیم. در فستیوال اول که ساز می‌زدم عوامل برگزاری اول دوم سوم هم تقریبا بودیم.

استارت ۹۶ یه جور خاصی استارت خورد و می‌شود گفت فستیوال در ادامه کار خود در کوچه برند شده بود و همه چیز را در کنار همدیگر قرار می‌داد.

ولی فستیوال کوچه از همان سال اول کلا راه درستی برای مسیرش پیدا کرده بود.

– از نوازندگی برای‌مان تعریف کن.



عبدالله مقاتلی:

سخت‌گیری در مسیر اجرای گروه‌های موسیقی، درد بزرگی است

– من یک نوازنده آزاد بودم و کلا نوازندگی را به صورت جدی دنبال نمی‌کردم در حدی که در گروه ها کار می‌کردم و بیشتر مجلس می‌رفتم، محفل می‌رفتم، ولی فستیوال دوم با تیم بچه‌های بوشهر بودم.

– اولین باری که اسم کوچه شنیده شد در بین نوازندگان، عموما چه دیدگاهی داشتند؟

– قطعاً بچه‌های نوازنده استقبال کردن خیلی از بچه‌ها اصلا دلی آمدند جلو و همکاری کردند.

– در این سه سالی که فستیوال کوچه دارد برگزار می‌شود، تاثیرگذارترین صحنه یا اتفاقی که افتاد چی بود؟

– از بین تمام اتفاقات خوب و بد تاثیر خیلی مجزاتر از تمام فستیوال‌هایی که توی ایران دارد برگزار می‌شود، دغدغه اصلی کوچه فستیوال این بوده که موسیقی نواحی را در واقع زنده نگه داشته دارد که در کنارش برای سایر مخاطبان نیز گروه‌های فیوژن استفاده می‌شود. ولی دغدغه اصلی زنده نگه داشتن موسیقی نواحی است که این رویکرد در جشنواره‌های داخل دیده نمی‌شود. ویژگی برجسته در فستیوال کوچه موسیقی نیز انتخاب اساتید برجسته و بکرترین موسیقی هر منطقه است که زیبایی کار را دوچندان کرده است.

– از دیدگاه شما مهم ترین مانع در اجرای گروه‌های موسیقی چیست؟

– سخت‌گیری در مسیر اجرای گروه‌های موسیقی درد بزرگی است. چرا نباید از هنرمندان عرصه موسیقی حمایت شود. امید داریم در سایه همکاری بیشتر مسئولان فرهنگ و هنر، از بار سختی و مشقت‌های عوامل برگزاری کاسته شود.

– بازتاب فستیوال بوشهر را چطور ارزیابی می کنید؟

– بازتاب رویداد کوچه فستیوال برای بوشهر و به ویژه بخش فرهنگی گردشگری بسیار بالا بوده و اکنون بوشهر به جایگاه قابل توجهی در حوزه گردشگری رسیده است. امیدوارم کوچه فستیوال در کنار مردم و به کمک مسئولان برگزار شود چراکه با همدلی و همکاری برای برگزاری این رویداد اتفاقات خوبی برای بوشهر رقم می‌خورد.

در پایان لازم می دانم از تلاش‌های عوامل برگزاری فستیوال کوچه و در رأس آنان احسان و ادریس عبدی‌پور به پاس زحمات بی شائبه برای فرهنگ بوشهر و فستیوال قدردانی کنم.



– از فستیوال کوچه و حال و هوای مردم در این رویداد پرمخاطب مختصری توضیح بدهید.

– حسین ابن‌رومیان: فستیوال موسیقی کوچه یک جشنواره موسیقی بومی محلی است که هر ساله در بوشهر برگزار می‌شود. این جشنواره به نوعی میزبان گروه‌های موسیقی محلی از سراسر ایران و تلاشی برای حفظ میراث خوانندگی و نوازندگی محلی است. در واقع می توان گفت فستیوال کوچه بوشهر به خوبی شور و پویایی یک رویداد فرهنگی مستقل را نشان می‌دهد و به نوعی خودانگیختگی و خودپسندگی برآمده از دل مردم که هم تکثرگراست و در صلح با مخاطب.

– نقش فستیوال در صنعت گردشگری بوشهر را چه‌طور می بینید؟

– امسال توی فستیوال کوچه چند تا اتفاق خوب افتاده، اول این‌که تمرکز از روی موسیقی به سمت بقیه ژانرهای هنری و فرهنگی رفت؛ ادبیات داستانی، فرهنگ عامه، شعر، دریا و دریانوردی، شروه و مراسم آیینی، گردشگری و غذا بخشی از فستیوال کوچه امسال بودند. امسال علاوه بر موسیقی ۹ برنامه دیگر هم برای فستیوال کوچه نهایی شده بود که به زیبایی و جذابیت آن کمتر از بخش موسیقیایی کار نبود.

اسم‌هایی مثل احسان عبدی‌پور، سروش صحت، اردشیر رستمی، ناخدا عبدالرسول غریبی، شایان بهرامی و ... نشون می‌داد که هر برنامه چه قدر جذاب است.



جشنواره کوچه باعث شد گردشگران زیادی در روزهای آخر سال، بوشهر را مقصد گردشگری خود انتخاب کنند.

بوشهر مردم شاد و خونگرمی دارد و میزبانان خوبی برای گردشگران و علاقمندان به موسیقی محلی بودند.

فستیوال کوچه منجر شده تا بوشهرشناسی، رونق گردشگری و همچنین معرفی آداب و سنن استان بوشهر بیش از پیش رونق پیدا کند. در رویداد اخیر فستیوال جشنواره پخت غذاهای دریایی با عنوان «سحروک» نیز تعریف شده بود که شامل پذیرایی سنتی از مخاطبان فستیوال بود.

حسین ابن رومیان:

رونق بوشهرشناسی، گردشگری و معرفی آداب و سنن استان بوشهر با فستیوال کوچه

عکس‌ها و تصاویری که در فضای مجازی از این اتفاق بیرون آمد، نشان از استقبال مردم و گردشگران داشت. نمایشگاه‌های مختلفی همچون صنایع‌دستی، لباس، بازی‌های محلی، کارگاه‌های تخصصی گردشگری، تورهای بوشهرشناسی، خوراک، نشست‌های ادبی و اکران فیلم نیز برگزار شد تا کسانی که موفق به خرید بلیت کنسرت‌ها نشدند، بتوانند از این برنامه‌ها استفاده کنند.

– از ویژگی‌های فستیوال موسیقی کوچه بوشهر بگویید.

– در برگزاری این فستیوال هیچ مبلغ یا کمک هزینه‌ای از هیچ شخص یا ارگانی گرفته نمی‌شود و همه با دل پا به عرصه همکاری می گذارند.



– پوشش رسانه ای فستیوال را چه طور می بینید؟

– چیزی که در فستیوال اخیر برای خیلی‌ها جالب بود تیم خبری و رسانه و روابط عمومی بود که زیر نظر ادریس عبدی‌پور و حسین مظفری فعالیت متفاوتی داشتند به طوری که می‌توان گفت اولین بار است که در استان بوشهر کاری متفاوت و با این سبک و سیاق شکل گرفته است.

چاپ کتاب بافت کهن دهدشت شهر راهبردی سپاه صفوی



کتاب «بافت کهن دهدشت شهر راهبردی سپاه صفوی» در استان کهگیلویه و بویراحمد نوشته دکتر محمود دهقانی درباره پیشینه و حال و هوای روزگار کنونی این بافت در بخش کهگیلویه است.دکتر دهقانی در این کتاب در باره کهگیلویه روزگار باستان و پس از آن استفاده راهبردی شاه عباس یکم صفوی از شهر شاپور (دهدشت کنونی) برای پیوند اصفهان پایتخت کشور به خلیج‌فارس گفتگو به میان می‌آورد. بافت زیبای تاریخی شهر شاپور که دکتر دهقانی در کتاب خود تلاش دارد برای صنعت گردشگری گوشزد کند به آن بافت و بازسازی بخشی از آن رسیدگی شود، در روزگار قاجار آسیب دید و تا روزگار پهلوی دوم هر چند بازسازی نشد اما بخشی از بافت سالم پا بر جا بود. با آغاز انقلاب سودجویان نه تنها در بخشی از آن بدون اجازه خانه ساختند بلکه سنگ‌های ساختمان‌های بافت را در ساختمان های بخش نوین شهر به کار گرفتند و آسیب بسیاری به بافت کهن رساندند.

دکتر محمود دهقانی که خود همراه جوانان دانشجو بیش از دو دهه پیش از بافت دیدار کرده در رسانه‌های فارسی زبان درون و برون مرز درباره ویرانی بافت نوشت. او اشاره کرده بود که بافت کهن جای دنجی برای معتادان شده است. دیری نپایید در بخشی از بافت با بودجه دولت بازسازی آغاز شد اما پس از چندی ادامه نیافت و ساختمان‌های بافت باز هم بدون پرچین و نگهبان به حال خود رها بودند.

این نویسنده و پژوهشگر در این کتاب می‌گوید هرچند "استو کلر"، "استین" و "هاریسن" هم دهدشت را توصیف کرده‌اند اما تنها کسی که در گذشته پژوهشی ارزشمند درباره این بخش از کشور انجام داد "هانیس گاوبه" نویسنده کتاب "ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا دوره صفوی" بود. این استاد اتریشی شرق شناسی دانشگاه "توبینگن" آلمان به بررسی تاریخ و جغرافیای منطقه بهبهان، زیدون، سردشت، دهدشت، دوگنبدان و فهلیان پرداخت و زمینه پژوهشی نو در گستره مطالعات ایرانی مطرح ساخت.

آکادمی علوم کشور اتریش پژوهش "هانیس گاوبه" با نام "ارجان و کهگیلویه" را به زبان آلمانی، به چاپ رساند. نسخه‌ای از آن کتاب آلمانی به دست شادروان احمد اقتداری پژوهشگر ایران شناس، زاده شهر گراش لارستان افتاد. پژوهش "گاوبه" از زبان آلمانی به فارسی برگردانده شد و با نام " ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی"، به چاپ رسید.

دکترمحمود دهقانی که برای پژوهش چند بار به بافت کهن دهدشت سر زده بود به توصیه شادروان دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و دکتر پرویز ورجاوند گزارش هایی از بافت به صورت گسترده در رسانه ها به چاپ رساند و بدنبال آن مستندی نیز با نام "بافت کهن شهر شاپور ساسانی و ساختمان‌های روزگار صفوی دهدشت در استان کهگیلویه و بویر احمد" ساخت که دانشجویان بسیاری از آن استقبال کردند. این نویسنده در کتاب " بافت کهن دهدشت شهر راهبردی سپاه صفوی"، با عکس ها و نقشه‌ها زمینه پژوهش آیندگان را نیز برای مطالعه پیشینه بافت کهن دهدشت که هم اکنون یکی از شهرهای بزرگ استان کهگیلویه و بویر احمد شده، فراهم آورده است.

تاریخچه و ویژگی‌های پدیده زار در خلیج‌فارس (۴)

زمینه‌ها و علل توسعه و تداوم زار درکرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس

دکتر حمید اسدپور

زمینه‌ها و علل توسعه و تداوم زار درکرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج‌فارس

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه و تداوم زار در کرانه ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس ، شرایط محیطی و جغرافیایی این مناطق می‌باشد. شرایط محیطی این سرزمین معمولاً با خشکسالی، کمبود شدید آب و زندگی در شرایط سخت محیطی بیابانی و نیمه بیابانی صورت می‌گردد. وجود آب انبارهای متعدد در این نواحی گواهی بر این ادعا می‌باشد. پس زندگی در چنین محیطی، همراه با ترس و اضطراب دائمی بود و بشر جهت درمان این گونه استرس‌ها به ارواح متوسل می‌گردید. از سوی دیگر تعداد فراوانی از ساکنان این نواحی به دریانوردی می‌پرداختند و به ویژه مقصد بسیاری از آنان سواحل شرقی آفریقا بود. دریانوردان ناچار بودند که در طول ماه‌ها دریانوردی به مقابله با امواج و محیط سخت دریا بپردازند و به ناچار دچار ترس و توهم شدید می‌شدند. چنان که بسیاری از دریانوردانی که از سواحل بندرکنگ به سوی آفریقا رفته بودند عنوان داشته‌اند که در طول سفر با کشتی‌های ارواح و شیطانی برخورد نموده‌اند. در نظر آن‌ها این کشتی‌ها، بسیار بزرگ و سریع و فاقد دریانورد بودند و معمولاً از درون آن‌ها صداهای وهم انگیزی به گوش می رسید که قصد نابودی دریانوردان را داشتند. این موضوع را می‌توان در روانشناسی اسارت نیز بررسی نمود. چنان‌که فرد، زمانی که خود را از نظر روحی و جسمی در چنگال دشمنی اسیر ببیند که هیچ راه گریزی برای او متصور نیست دچار استرس و افسردگی شدید می‌شود و شدیدترین ضربات روحی بر وی وارد می‌گردد. دوری از خانواده نیز در مساله اسارت باعث شدت یافتن اختلالات به ویژه اختلالات عاطفی می‌شود. در مسئله زار نیز دریانوردانی حضور دارند که مدت‌ها به دور از خانواده می باشند و به طور مداوم خود را اسیر در محیط خطرناک دریا می یابند. حال که با سواحل شرقی آفریقا ارتباط دارند می توانند جهت درمان آشفتگی‌های خود از مساله زار بهره جویند.

علت مهم و اساسی دیگر در گسترش و تداوم زار در ایران، کمبود و حتی فقدان مراکز درمانی و نیروی متخصص جهت درمان بیماری های روحی و روانی است. چنان‌که در سال ۱۳۴۴ش و در محل بیمارستان روزبه تهران، برای نخستین بار، مرکزی جهت درمان این‌گونه بیماری‌ها تاسیس شد. در سال ۱۳۴۹ ش نخستین قدم ها در راه تأسیس و راه اندازی واحد روانشناسی دانشگاه تهران برداشته شد. از سال ۱۳۵۴ ش بود که با انتقال برخی اساتید روانشناسی به دانشکده علوم پزشکی، که با موافقت دانشکده ادبیات و علوم انسانی صورت گرفت، درمان این‌گونه بیماری‌ها و توجه به آن گسترش بیشتری یافت. نگاهی به فهرست دروس ارائه شده برای دانشجویان روانشناسی دانشگاه تهران، خود گویای کمبود شدید نیروی متخصص در ایران دوره پهلوی جهت درمان بیماری های روحی و روانی می باشد.



در سال‌های پایانی دهه چهل و اوایل دهه پنجاه هجری شمسی یعنی در دوره حکومت پهلوی، حتی هنوز بسیاری از دانشجویان رشته های روانشناسی و روانپزشکی نیز درک درستی از بیماری های روانی نداشتند. گزارشات ارائه شده توسط پزشکان غربی که به ایران سفر کرده‌اند، بیانگر آن است که در دوره پهلوی دوم، هنوز در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران مانند اصفهان نیز، هیچ گونه پرستار و پزشک متخصص در زمینه بیماری روحی و روانی وجود نداشته است. این پزشکان عنوان داشته اند که شفادهندگان این بیماران در ایران کسانی بودند که با استفاده از ورد و دعا به درمان بیماران خود می پرداختند. این وضعیت به صورتی بود که حتی اگر مراکز درمانی هم جهت درمان اینگونه بیماران ایجاد شده بود فاقد امکانات لازم بودند و محیط این گونه مراکز در دیدگاه بیماران، بدتر از جهنم توصیف شده است.

این عدم آگاهی در مورد بیماری‌های روحی و روانی به خوبی خود در اجرای مناسک زار خود را نشان می‌دهد. چنان‌که نظریه‌پردازان و متخصصان این گروه بیماری‌ها معتقدند که تقویت آگاهی فرد بیمار و آگاه نمودن او در پذیرش مسئولیت اعمالش، نقش موثری در درمان دارد. همچنین تاکید می‌کنند که بیمار باید بداند که اضطراب حاصل اعمال خود اوست. در حالی که در درمان زار، هیچ گونه مسئولیتی بر عهده بیمار نیست و مسئولیت همه اعمال او را متوجه ارواح می کنند. از اصول مهم دیگر در درمان بیماری‌های روحی و روانی، ارتباط کلامی موثر بین درمانگر و بیمار است و بیمار باید به جهت درمان خود، توضیحات لازم را ارائه دهد. درمانگر نیز موظف است که فضایی فراهم آورد که بیمار، آزادانه مسائل مهم خود را تجربه کند و در همین ارتباط دو سویه، مشکلات بیمار حل گردد. برخلاف این رویه، در درمان زار گاهی اطرافیان بیمار، توضیحات لازم را ارائه می‌دهند و حتی گاهی نیز ارائه توضیحات ضروری نیست و فرد بیمار، به طور کامل تسلیم در برابر بابا یاماما‌ی زار می‌باشد.

بررسی‌های جامعه‌شناسان در مورد بسیاری از مناسک آفریقایی‌تباران، بیانگر آن است که اجرای این مناسک تحت تأثیر مساله پیروی از اجداد و وابستگی به سنت‌ها می‌باشد و تعقل در آن نقش کمتری دارد. امری که در مورد مساله زار، کاملا مصداق دارد.

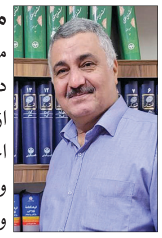
نتیجه

مناسک زار در اثر مهاجرت ناخواسته آفریقاییان و هم چنین ارتباطات گسترده نواحی کرانه و پس‌کرانه خلیج‌فارس با آفریقا، به ایران وارد شد. چنان‌که عمده درمانگران این مساله در جنوب ایران، آفریقایی تباران می‌باشند. به واقع آفریقایی‌تباران که سواحل خلیج فارس را همسان با محیط سابق زندگی خود پنداشتند، این مناسک را در این نواحی رواج دادند. زار ریشه‌های بسیار عمیقی در ایران و آفریقا داشته است که مبتنی بر اعتقاد به حلول ارواح خبیثه در کالبد انسان‌ها می‌باشد که انتقال این ارواح توسط باد شکل می‌گرفت. باد به عنوان یک ایزد باستانی و دارای ثنویت، به خوبی با اعتقادات و مناسک آفریقایی‌تباران همگام شده است. علاوه بر مهاجرت آفریقاییان به ایران ارتباط گسترده و وسیع ساکنان کرانه ها و پس کرانه‌های خلیج‌فارس با سواحل آفریقا و به ویژه سواحل شرقی این قاره در ورود زار به ایران موثر بوده است.

همچنین زار با ریشه داشتن در جادو و شمن می‌توانست در بسیاری از فرهنگ ها نفوذ یابد و تاثیرات خود را بر جای نهد که از آن جمله در ایران می باشد. نگاهی به چگونگی اجرای مراسم زار در آفریقا و به ویژه در سودان و همچنین اجرای این مراسم در ایران، این مساله در مورد زار را اثبات می‌نماید که زار ریشه‌ای آفریقایی دارد که با تغییرات اندکی در سواحل خلیج فارس گسترش یافته است. شرایط سخت محیط زندگی در نواحی جنوبی ایران، همراه با عدم آگاهی مردم از بیماری‌های روحی و روانی و فقدان مراکز درمانی و نیروی متخصص جهت درمان این گونه بیماری‌ها در توسعه و تداوم زار موثر بوده است. بررسی تاثیرات و ارتباطات دوسویه فرهنگی ایران و آفریقا به مانند پدیده زار می‌تواند در شناخت ریشه‌ها و مشترکات فرهنگی آنان و هم چنین توسعه روابط‌شان موثر باشد. به واقع، سختی‌های معیشتی در زندگی مردم کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج‌فارس و به ویژه دریانوردان همراه با ارتباط آن‌ها با ساکنان آفریقا و به خصوص سواحل شرقی آن از یک سو و نبود امکانات و درک منطقی از بیماری‌های روانی و ریشه‌های آن‌ها سبب گسترش و تداوم پدیده زار در این نواحی به مانند آفریقا گردید.

توضیح: متن کامل مقاله با منابع، در سایت نسیم جنوب منتشر شده است.

موسیقی و زار



موسیقی از اجزای اصلی درمان زار است. این مسئله از شباهت‌های اساسی در اجرای مناسک زار در ایران و آفریقا می‌باشد. در آفریقا و از گذشته‌های دور موسیقی و رقص، از اجزای لاینفک زندگی و مناسک آنان بوده است. این مساله به ویژه در میان مردم شرقی آفریقا رواج بیشتری داشت. دهل از مهم ترین ابزار آلات موسیقی در درمان زار است که به دهل رحمانی، کسر و دهل گپ تقسیم می‌شود. دهل رحمانی، دهلی بزرگ و دو سر است. دهل کسر، دهلی کوچک است که به کی‌سل(KEYSAL) نیز معروف است. گاهی این دهل کوچک به (bol kom) نیز شهرت یافته است. دهل گپ، بزرگ‌ترین دهل در انجام مراسم زار است. درجزیره خارک از دهلی استوانه‌ای شکل استفاده می‌شود که ارتفاع آن هفتاد و هشت سانتی متر و قطر آن پنجاه وچهار سانتی متر است. در انتهای آن دایره‌ای به قطر ده سانتیمتر تعبیه شده است. جینگ از دیگر آلات موسیقی است که دایره‌ای کوچک است که به دور تا دور آن را زنگوله می‌بندند. تمبور از دیگر آلاتی است که در پایین دارای کاسه ای به نام دب(Dab) می باشد و علاوه بر درمان زار در درمان باد نوبان نیز از آن بهره می‌گیرند. این آلت از چوب توت یا گردو ساخته می‌شود که با روکشی از پوست گاو می باشد. سارنگی از دیگر سازهای این مراسم است که کمانی جهت نواختن دارد. باسکی از دیگر ابزارهای رایج در مراسم زار است که چوب باریکی است که همراه با چوب خیزران استفاده می‌شود. خیزران را معمولا از مسقط به ایران می‌آورند و هر خیزرانی جهت دفع ده تا بیست باد کافی بود. هرچند در دفع برخی زارها مانند شیخ شنگر از خیزران‌های متعدد جهت دفع او بهره می‌بردند. بچه نقاره نیز نقاره کوچکی است که معمولاً زنان در مراسم از آن استفاده می کنند. ساکنان جزیره خارک معتقدند که بین اجراکنندگان مراسم زار و سازهای موسیقی ارتباط روحی عمیقی وجود دارد که تنها آن ها قادر به اجرای این مراسم می باشند.

تجربه‌ای که ملی شد

فاطمه فروزانی



در سال ۱۳۶۳ بنا به پیشنهاد مسئولان وقت از طرف مرکز گفتار درمانی کوثر به عنوان کارشناس آموزش استثنایی، به همکاری دعوت شدم. ابتدا به فکر راه اندازی کلینیکی در اداره آموزش و پرورش جهت دانش آموزانی افتادم که دارای مشکلات گفتاری شنوایی یادگیری (هوشی) بودند. در همان موقع با حمایت آقای رزمی معاون اداره کل و آقای حاجی‌نژاد (رییس وقت آموزش و پرورش شهرستان بوشهر) کلینیک را تجهیز و راه‌اندازی کردیم و کار آغاز شد.

البته همکاری سازمان‌ها و نهادهایی مانند بهداری و بهزیستی را هم لازم داشتیم. طی نشستی با آقای دکتر حیدری (رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی)، ایشان در رابطه با پرداخت کمک هزینه ۱۳۰۰ تومانی عینک و معرفی دو پزشک اعلام همکاری کردند، با چند عینک فروش هم در رابطه با آوردن عینک‌های مناسب صحبت کردیم. در همان زمان با همکاری بهزیستی دو پزشک سه روز در هفته به مرکز می آمدند. بعدها پزشکان به صورت گروهی جهت بررسی شنوایی و بینایی و کمک به کودکان به شهرستان‌ها می‌رفتند. عینک‌ها همه به صورت رایگان در اختیار افراد قرار می گرفت.

یکی دیگر از فعالیت‌ها وضع هوشیِ کودکان مشکل‌دار در مدارس بود که شخصاً به مرکز مراجعه می کردند و دو نفر نیز به تهران معرفی شدند تا در مراکز خاصِ کودکان درمان شوند.

طی ۶ سال تقریباً اکثر مدارس بوشهر و تعدادی از مدارس دیگر شهرستان‌ها مورد بررسی و شناسایی قرار گرفتند و صدها دانش آموز با مشکلات بینایی، شنوایی یادگیری گفتاری، هوشی، شناسایی شدند و به مراکز مرتبط معرفی شدند.

متأسفانه در سال ۶۹ با انتقالم به شیراز، کلینیک تعطیل شد. در سال ۷۰ طی سمیناری در تهران با حضور آقای دکتر افروز، فعالیت‌های ۶ ساله کلینیک که بسیار موفقیت‌آمیز بود را با ایشان در میان گذاشتم و پیشنهاد کردم که به طور همگانی در ایران اجرا شود. در همان جلسه پیشنهادم منجر به تصمیم شد که از همان سال طرح سنجش کودکان قبل از ورود به دبستان، به طور آزمایشی در چند استان اجرا گردید و در سال‌های بعد در تمام ایران اجرا شد و تا به امروز ادامه دارد. این کار باعث پیشگیری از هدر رفتن زمان یادگیری کلیه کودکان شده است و هر کودک با توجه به نیازش به مراکز خاص ارجاع داده می‌شود.

منبع: فصل های بی تکرار

افزایش ۲۳۰ هزار متر مکعب تولید آب از آب شیرین‌کن در بوشهر

استاندار بوشهر با اشاره به این‌که اکنون ظرفیت تولید آب از تاسیسات آب شیرین‌کن در استان ۱۰۵ هزار متر مکعب است گفت: تا پایان دولت سیزدهم میزان تولید آب شرب در استان به ۲۳۰ هزار مترمکعب خواهد رسید. محمدی‌زاده با بیان این‌که بزرگترین تأسیسات آب‌شیرین‌کن از سوی سازمان انرژی اتمی در جوار نیروگاه اتمی بوشهر در حال ساخت است، گفت: ظرفیت این طرح آب‌شیرین‌کن ۷۵ هزار مترمکعب است که روند اجرایی آن مطلوب است. وی از ساخت آب‌شیرین‌کن در شهرهای دیر، بنک، عسلویه، هلیله، تنگستان، بوشهر و طرح سیراف – جم خبر داد و گفت: در موضوع آب‌شیرین‌کن بر اساس برنامه‌ریزی تا شهریور ۱۴۰۴، ظرفیت تولید از این تأسیسات به ۲۳۰ هزار مترمکعب خواهد رسید.

فوتبال ناب قدیم بوشهر، باعث سربلندی در یاسوج

مجید وفاپیشه



در حدود سالهای ۵۸ ، ۵۹ که نوجوانی بیش نبودم، تابستان‌ها که هوا گرم می‌شد همراه با خانواده از بندر گناوه به یاسوج سفر می کردیم تا هوایی تازه کنیم و از شر شرجی و گرما چند ماهی راحت باشیم و از آن‌جایی که استادیوم یاسوج روبروی محل سکونت ما بود، عصرها می‌رفتم آن‌جا و عده ای نوجوان که هم سن و سال من بودند در زمین آسفالت بسکتبال، مشغول بازی فوتبال می‌شدند و چون من غریبه و کسی را نمی‌شناختم یه گوشه ای می نشستم و بازی آن‌ها را تماشا می‌کردم و بعضی مواقع هم که بازیکنی مصدوم و یا خسته می‌شد، یه چند دقیقه‌ای به عنوان بازیکن تعویضی بهم بازی می‌رسید و چون بهشون گفته بودم گناوه‌ای هستم، به اسم بندری و جنوبی صدام می‌زدند.

روز بعد در سطح شهر اطلاع‌رسانی کردند که تیم ایرانجوان بوشهر با تیم زاگرس یاسوج (در واقع منتخب یاسوج) قراره مسابقه دوستانه برگزار کند و من لحظه شماری می کردم که روز مسابقه فرا برسد و بازی تماشا کنم.

بچه که بودم، مرحوم دایی‌ام که متولد و اهل بوشهر و از طرفداران ایرانجوان بود، برام از بازیکنان آن دوران که چه خصوصیات فنی داشتند تعریف می‌کرد بازیکنانی مثل برزین، احمد رزمی، محمود ابراهیم‌زاده، عبدالله‌زاده، برادران چاهی‌بخش، شادکامی، مشایخ، صفر ربیعانی، مصلح، نادر اقدام، علیرضا اخلاقی، احمد پژند، حسین حیدری (تینو) و خیلی‌های دیگه و به این خاطر شوق دیدن تیم ایرانجوان و بزرگان فوتبال بوشهر را داشتم.

روز مسابقه: با توجه به شناخت قبلی که از بازیکنان ایرانجوان پیدا کرده بودم با شوق فراوان یک ساعت زودتر به ورزشگاه رفتم تا بازیکنان را از نزدیک دیده و بشناسم.



ایستاده از راست : مربی مرحوم مجید چاهی بخش – محمد زحمتکشان – داریوش رنجبر (دروازبان) – خلیل پاکباز – خداداد برزگر – رسول حسن پور – هوشنگ مرادی.
نشسته از راست: علی اخلاقی – حسین حیدری – مختار کلانتری – محسن هاشمی – احمد نوشادی – سعید طیاری.
(عکس از آرشیو امید محمدیان).

بازی شروع شد و در بین اندک تماشاگران بوشهری که برای دیدن بازی به یاسوج آمده بودند، نشستم و شروع به تشویق تیم ایرانجوان کردم و آن طرف سکو هم بچه‌های محل (تیم زمین بسکتبال) تیم زاگرس یاسوج را تشویق می‌کردند و یه نیم‌نگاهی هم به من می کردند.

علیرضا اخلاقی با آن جثه ریز و فرارهای سرعتی و برق آسا از جناح راست و حسین حیدری (تینو) با آن قد کشیده و پیشانی‌بندی که در سر داشت و با ضربات هد که مثل یک ضربه شوت با قدرت و سهمگین بود، در نوک حمله و با همت بقیه بازیکنان تکنیکی و کار گروهی تیمی، منجر به برد تیم ایرانجوان شد که در پایان بازی با یه زیر چشمی نگاه کردن به بچه‌های محل (تیم زمین آسفالتی) ورزشگاه را با خوشحالی ترک کردم.

فردای بعد از مسابقه، طبق روال عصرها ولی این دفعه بخاطر برد تیم ایرانجوان با گام‌های سریعتر و با سری بالا به طرف زمین بسکتبال رفتم ولی هنوز بازی شروع نشده بود و انگار منتظر من بودند، با آمدنم یکی با صدای بلند گفت، مجید آمد همه نگاه‌ها به طرف من چرخید و اولین نفر بودم که در یارگیری تقسیم شدم و در ترکیب تیم قرار گرفتم و دیگه مثل قبل منتظر نموندم که بازیکن مصدوم و یا خسته بشه و به عنوان جایگزین وارد زمین شوم و بجای اسم بندری، بنام مجید صدام میزدن و فوتبال ناب بچه‌های بوشهر در یاسوج باعث شد که از ذخیره بودن و گوشه‌نشینی در زمین آسفالت بسکتبال، تبدیل به بازیکن فیکس و اصلی تیم بشم و خوشحال بودم که به عنوان سفیر فوتبال بوشهری، گناوه ای در جمع هم سن و سال‌های خودم هستم.

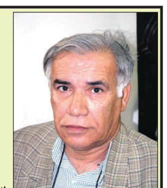
گذشت یک دهه: تنور مسابقات فوتبال کارگری بوشهر در سال‌های ۶۸، ۶۹ با حضور بازیکنان تراز اول بوشهر با هیجان خاصی برگزار می‌شد و من خوشحال بودم که با آقای حسین حیدری که غبار پیشکسوتی بر چهره داشت و فوتبال حرفه ای و باشگاهی را کنار گذاشته بود، در تیم شیلات هم‌بازی باشم و از نزدیک نظاره گربازی خوب و ضربات سر که بی‌نظیر بود، باشم و خاطرات نوجوانی را در ورزشگاه یاسوج با آن پیشانی‌بندی که بر سر داشت، زنده کرد.

سلامتی و تندرستی برای کلیه ورزشکاران و خصوصا پیشکسوتان فوتبال استان را از خداوند متعال آرزومندم.

برگزاری مراسم «گِلی» برای آمدن باران در بوشهر

شاید خدا رحمش بیاد

محمد قدسی



سال ۱۳۴۲ عید آمد و دانش‌آموز دبیرستان پهلوی در بندر بوشهر بودیم (عمارتی که عرب‌های مهاجر خوزستان، بعد از شروع جنگ در آن‌جا ساکن شدند).

آخر اردیبهشت به علت گرما و نبودن برق، به خرداد نرسیده امتحانات برگزار شد و ما از کلاس هفتم به هشتم رفتیم. تابستان وحشتناک گرم را بسر می‌بردیم، مهرماه آمد و به مدرسه رفتیم وکم کم رو به پایان پاییز هم داریم تمام می کنیم و متاسفانه زمین تشنه، آب انبارها به ته رسیده، مایه حیات فقط در دریا هست ولی متاسفانه شور است و به درد زندگی مخصوصا آشامیدن و برای کشاورزی دیم این منطقه تشنه مناسب نیست. پسران بزرگ محله سنگی جنوبی، پورنجفی‌ها مرحومان جلال و حبیب، از منزل حاج محمدحسین قیصی‌زاده مرحوم شهید حاج ابراهیم و مرحوم حاج کاظم، حاج مجید بنچاری و جوانان و نوجوانان محل در «ناکه» گرد آمدند و مشورت کردند و با نظر چند مرد مسن محل مانند مرحوم محمد علی خیره‌چشم وحاج ابول وحاج ابراهیم و حاج نجف نبات خور و بقیه اهالی محل بنا را براین گذاشتند که برای آمدن باران مراسم «گلی» را برگزار کنند. رسم بود که یک آدمک درست می کردند و بر الاغی سوار می‌کردند. هسته اولیه که تدارک‌کننده و راه‌اندازی این مراسم را بر به عهده داشتند از درون ناکه که جای منزل حاج‌حبیب و علی قاسمی و قایدنیا و منزل مرحوم محمد پورنچفی تا قسمتی از زمین میدان ورزشی (دارایی) که شب‌ها همه دور هم جمع می‌شدند و بازی‌های خرمن چندمن، هسک چوورنگ و تیربیا بازی می کردند، جمع شدند و آدمک بر الاغی سوار کردند و سر دسته می‌خواندیم: گله گلیه/ شاخ زنی / بار بارون / شر شارون / اله توبزن بارون / سی ما عیالوارون/ گله آمده ترخونتون/ محض خاطر بوی بچه تون/ یه مشت گنم داشتم/ پشت تولی کاشتم/ بارون آمد سبز شد/ ده من غله کرد/ نصف سی بچه‌هام دادم/ نصفش سی عباسعلی دادم/ الله تو بزن بارون...

یک مرتبه از بالای بام یک خانه آب می‌ریختن رو حمعیت و جمعیت باهم می گفتن «نه او بی/ بارون بی/ نه او بی/ بارون بی...»

در هرخون می‌رفتیم و یه چیزی می‌دادند، یه خونه برنج می‌داد، یه خونه لوبیا، یکی عدس، حاج محسین قیصی‌زاده ده تومن داد... تا محله بنمانع طرف خونه آقای فقیه وحراجی و حاج سیدرضا کرم‌زاده‌ها و تا محله جفر ماهینی رفتیم.

فردا تعدادی از اهالی محل جمع شدیم، خانم‌های بزرگ محل حبوبات را پاک کردند، نمی‌دانم گوشت هم بود یا نه، تمیز کردند و از همان مواد اولیه که جمع شده بود، تو خونه مرحوم عامو خداداد خان، آش پختند. بعد از نماز مغرب و عشا، آش کشیدند، یک مهره بزرگ تسبیح تو آش پنهان بود که اگر تو لقمه هر کس پیدا می‌شد، باید هاسک که تقریبا یک لنگه‌اش پنج کیلو بود را به دوش می کشید.

هر چهار پنج نفر دور یک سینی نشستند و شروع کردیم آش خوردن، تا این‌که یک نفر داد زد مهره تو لقمه یک نفر پیدا شده است. بعد از خوردن آش، یک لنگه هاسک را به دوش کسی که مهره را پیدا کرده بود، گذاشتند و همه می‌خواندیم: «می‌خیم بریم قبله دعا/ شاید خدا رحمش بیاد / یا الله یا الله بزن بزن بارون/ محض نجات این بچه».

یا الله یا الله گویان از کوچه پس کوچه‌های محل گذشتیم از پشت خانه حاج صفر گچی‌زاده، از جلو خانه ابراهیم گچی‌زاده (پدر دکتر مهرسای) و همه می‌خواندیم و بعضی‌ها هم گریه می‌کردند و التماس بارون می‌کردند. از خونه حاج رضا زنگویی گذشتیم که پدر دکتر ضامن شد که تا پنجشنبه آینده باران می‌بارد و هاسک از کول حمل کننده برداشته شد. همه با سلام و صلوات روانه خانه شدیم...

عجیب این‌که تا پنجشنبه باران بارید...

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب – تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

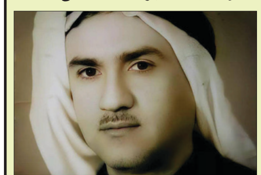


به یاد حاج جاسم بوشهری؛ مؤسس هنرستان فنی بوشهر

مسعود آتشی

حاج جاسم بوشهری فرزند حاج محمد می باشد که یکی از تجار قدیمی بوشهر بود. حاج محمد در ایام جوانی برای تجارت از بوشهر به کشور کویت مهاجرت کرد و فرزندش حاج جاسم در کویت متولد و به مرور زمان به یکی از تجار سرشناس بوشهری مقیم کویت تبدیل شد.

وی در دهه‌ی ۱۳۴۰ خورشیدی برای ساختن یک هنرستان صنعتی پسرانه به بوشهر سفر کرد. در آن زمان زنده‌یاد «مجید فیوضانی‌حق» و سپس «حسن ناصر مستوفی» رئیس کل آموزش و پرورش بوشهر بودند و از این تصمیم زیبای حاج جاسم استقبال کردند و او را مورد تشویق فراوان قرار دادند. مسؤلین آموزش و پرورش بوشهر خیلی زود قرارداد ساختن هنرستان فنی را با حاج جاسم منعقد نمودند و ظرف دو سال کار ساخت‌وساز آن به پایان رسید و آماده بهره برداری شد.



حاج جاسم برای تجهیز آن آموزشگاه فنی، ماشین‌های تجاری و ماشین‌های فلزکاری و تراشکاری را وارد بوشهر کرد و آموزشگاه در سال ۱۳۴۶ با نام «هنرستان فنی حاج جاسم بوشهری» افتتاح گردید.

در همان ایامی که حاج جاسم به بوشهر آمده بود تا با مسؤلین آموزش و پرورش برای ساخت هنرستان رایزنی کند، دو نفر از متنفذین مذهبی به دیدن وی رفتند و پس از اظهار خوشحالی تقاضا کردند که ایشان به جای ساخت مدرسه، مسجد بسازد.

نقل است که حاج جاسم در پاسخ به آن‌ها گفته بود: «مسجد در بوشهر زیاد است و در همه جا حتی در بیابان هم می توان نماز خواند ولی مدرسه در همه جا نیست و من این مدرسه صنعتی را می سازم تا بچه‌های جبری و ظلم آباد و سایر محله ها، در آن‌جا درس بخوانند و چیزی بیاموزند و آینده‌ی خوبی داشته باشند».

با افتتاح هنرستان حاج جاسم، سالانه تعداد زیادی هنرجویان در رشته‌های مختلف تربیت شدند و وارد بازار کار گردیدند و این حسنه جاریه همچنان ادامه دارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نام آن هنرستان را تغییر دادند... ولی با پیگیری و تلاش‌های دلسوزانه‌ی برخی از بوشهریان، مجدداً نام هنرستان صنعتی حاج جاسم بوشهری بر پیشانی آن ساختمان نصب شد.

حاج جاسم بوشهری در سال ۱۳۸۲ خورشیدی از کشور کویت به ایران سفر کرد و برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد مقدس رفت. در همین سفر بود که به سبب عارضه قلبی در شهر مشهد درگذشت و پیکر او را در جوار حرم مطهر امام هشتم به خاک سپردند... بعدها همسر وی «جواهر خانم» نیز در شهر مشهد درگذشت و در همان محل به خاک سپرده شد. حاصل ازدواج حاج‌جاسم و جواهر خانم سه فرزند است... یک پسر به نام «جواد» و دو دختر به نام‌های «ملیحه» و «صباح» می باشد.

صباح خانم دختر وی در یکی از سال‌های دهه ۱۳۸۰ خورشیدی به بوشهر آمد و با مراجعه به مراجع پزشکی استان بوشهر پیشنهاد ساختن یک بیمارستان مجهز قلب در بوشهر را با هزینه خودش، مطرح کرد ولی متاسفانه مسئولین وقت با تقاضای او موافقت و همکاری نکردند.

صباح از پیشنهادی که داده بود پشیمان شد و با دلی آزرده از شهر بوشهر و ایران خارج گردید و آن بیمارستان مجهز مورد علاقه‌اش را در کشور سودان احداث نمود.

منابع: فرهنگ نامه بوشهر از دکتر سیدجعفر حمیدی
مصاحبه با دکتر عبدالکریم مشایخی

نام نیک فرماندار زند و حاج جاسم بوشهری؛ در خدمت به مردم بوشهر

امید زاهد

«دو مرد نیکوکار و وطن دوست؛ فرماندار بوشهر مهندس علیمراد زند و حاج جاسم بوشهری».

فرماندار زند با این‌که یک شخص دولتی و اداری بود، ولی در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ پیشتاز امور عمرانی در بندر بوشهر به شمار می‌آمد.

عمران و آبادانی فراوانی در شهر بوشهر توسط فرماندار زند که فردی پرتلاش و مردمی و محبوب در بین مردم بود، صورت گرفت از جمله: آسفالت خیابان‌های اصلی آبرسانی و برق رسانی به محلات بوشهر و سعی در درست کردن استادیوم ورزشی (شهید بهشتی فعلی) و حتی تعدادی از افراد مستضعف در محله جبری محله سیاهگل‌ها را صاحب خانه کرد و هم چنین کمک‌های مالی به تعدادی از مردم می‌نمود و در بوشهر حکمش قابل اجرا بود و دستور اتیکت قیمت‌ها بر روی اجناس در بازار هم از دستورات ایشان بود. (از خاطرات غلامرضا شریفی خواه نسیم جنوب)



و اما حاج جاسم بوشهری؛ از بزرگ مردان بوشهری که در کشور کویت ساکن بود با عزمی راسخ و استوار به بنیان هنرستان فنی و حرفه‌ای در بندر بوشهر همت گماشت و نام نیکی از خود برجای نهاد. به سرمایه مادی و معنوی او در اوایل دهه ۱۳۴۰ ارکان هنرستانی پی‌ریزی شد که بیش از ۶۰ سال همچنان چند نسل از جوانان بوشهری‌ها در حال استفاده از این بنای آموزشی هستند.



نسیم جنوب: کلنگ زنی سالن سرپوشیده جنب هنرستان حاج جاسم بوشهری توسط فرماندار زند سال ۱۳۳۹

گفتنی است در دی ماه سال ۱۳۴۳ ماده واحده قانون معافیت گمرکی لوازم ساختمانی دبیرستان بوشهر که از سوی مجلس شورای ملی تصویب شد، به وزارت اقتصاد اجازه داد نوزده قلم لوازم ساختمانی مندرج در فهرست منضم به این قانون را که از طرف آقای حاج جاسم بوشهری برای ساختمان دبیرستان فنی و حرفه‌ای در بوشهر به وزارت آموزش و پرورش اهدا شده از پرداخت حقوق و هزینه‌های گمرکی معاف نماید.

صورت برخی مصالح لازمه جهت ساختمان دبیرستان فنی و حرفه‌ای در بوشهر که به وسیله آقای حاج جاسم بوشهری در کویت تهیه و به ایران حمل گردید تیر آهن، تخته ماشینی جهت قالب بندی، شیشه سه میلیمتری و مشجر درب و پنجره ۱۶ صندوق، قفل و لولا و دستگیره و میخ و غیره ۶ صندوق، لوازم الکتریکی از قبیل سیم و کلید و پریز هلدر و لامپ، کاشی چینی انگلیسی جهت حمام‌ها و مستراح ۱۴ هزار عدد، مستراح چینی و روشویی چینی و ادرار ریزی ۲۲ عدد، ماشین کمپرسی جهت حمل مصالح داخل شهر و خارج ۲ دستگاه.



تصویر از تیم فوتبال جوانان محله سنگی بندر بوشهر در سال ۱۳۵۳
ایستاده از سمت راست: ابراهیم قاسمی، رحیم سیرجانی، شهید حسن قدرتیان، عباس تأمینی، ابراهیم هاشمی، عبدالرحیم رحیم پور، ابراهیم فولادی، مختار قدرتیان.
نشسته از سمت راست: محمود شراعی، شهید محمدخلیل فولادی، غلامحسین قدرتیان، اسماعیل کرمی، کریم رحیم پور و مرحوم حسن جوادی.

برای سلامتی «حسن لاوری»؛ استوانه صبر و تحمل، دعا کنیم

محمد باقر عباسی سملی



برادر جانبازم «حاج حسن لاوری» نزدیک به یک ماه است که روی تخت بیمارستان در تهران آرمیده است. چه سخت است درخواست دعا برای کسی که خود سمبل استجابت درخواست دیگران بود.

چه سخت است بر دامنه ایستادن و برای بقای قله، دست به دعا برداشتن.

حاج حسن لاوری تکیه گاه مستحکم همه نیروهای سیاسی استان بوشهر، سنگ صبور همه گلایه‌مندان و استوانه صبر و تحمل در برابر تمام بی‌مهری‌ها، اکنون محتاج دعای همه ماست.

حاج حسن شهید زنده و استوار مانده بر عهد با خدا و مردم، سال‌هاست که بر یک پا ایستاد و ایستادگی کرد. او که یک پایش را در شلمچه گذاشت تا همیشه مدافع ایران باشد، اکنون پای دیگرش که از توان افتاده، بی‌توقع از زمین و زمان، روی تخت بیمارستان است. اما من و ما به وجودش محتاجیم.

حاج حسن؛ سند زنده مدافعین وطن است. همه را به عزیزانشان قسم می‌دهم که برای سلامتی و شفای عاجل حاج حسن لاوری دعا کنید.

ناتمام ماندن راه وحدت (صدرا، جزیره شیف) بعد از ۱۶ سال!

رضا سیاهوشی



در تابلو نصب شده ، چنین نوشته :
شروع عملیات : ۱۳۸۷ – بهره برداری : ۱۳۸۹ – هزینه اجاره : ۲۵ میلیارد ریال

بله، طبق برآوردی که انجام شده بوده می‌بایست کار این پروژه طی تقریبا دوسال به اتمام می‌رسید. حال سال ۱۴۰۳ و ۱۶ سال از تاریخ کلنگ‌زنی آن می گذرد و به تازگی حدود ۴ کیلومتر از آن افتتاح گردید! چرا مدت زمان اجرا و اتمام پروژه‌ها در استان بسیار ثروتمند بوشهر چنین دیر می شود؟!

تعیین بودجه ۲۵ میلیارد ریالی درسال ۱۳۸۷ برای انجام کل این پروژه، الان به چه بودجه و مبلغی بسته می شود؟! دلیل این همه سال تاخیر در انجام و تحویل جاده دسترسی به جزیره شیف، چه بوده است؟ جاده ای که هم برای رفت و آمد اهالی شریف جزیره موثر می باشد و هم از ورود و خروج کامیون های باری (در مسیر گمرک) به سطح شهر جلوگیری می کند.